



بازگشت از مسیر تفاهم

افزایش مجدد شتاب تولید اورانیوم با غنای بالا، نشانه پایان توافق‌های کاهش تنش میان تهران و واشنگتن است؟

غنی‌شده ۶۰ درصدی ایران از ماه خرداد که در گزارش قبلی منتشر شده بود به یک سوم کاهش یافته است و از ۹ کیلوگرم اورانیوم با غنای ۶۰ درصد به ۳ کیلوگرم در ماه رسیده است. براساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایران بین ماه‌های خرداد تا شهریور، ۳۱ کیلوگرم از ذخایر اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصد خود را نیز رقیق‌سازی کرده و به ۶۴/۵ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۲۰ درصدی تبدیل کرده بود. اما سه‌شنبه هفته گذشته سخنگوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد، ایران از ماه نوامبر مجدداً تولید هگزافلورید اورانیوم با غنای ۶۰ درصدی اورانیوم ۲۳۵ را سه برابر کرده است و به ۹ کیلوگرم در ماه رسانده است. تهران واکنش مبهمی به این گزارش نشان داد و آن را تأیید یا تکذیب نکرد. محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی در واکنش به این گزارش گفت: «ما ظرفیت غنی‌سازی ۶۰ درصدی را ادامه داده و ظرفیت جدیدی ایجاد نکرده‌ایم. این فضا سازی رسانه‌ای و سیاسی سه کشور اروپایی و آمریکا برای فضا سازی از طریق رسانه‌های خود است.»

هر چند مقام‌های تهران و واشنگتن از هرگونه اظهار نظر در خصوص ارتباط این کاهش تولید با تفاهم غیررسمی خودداری می‌کردند اما روشن بود که این اقدام ایران، بخشی از توافق‌هایی است که با ایالات متحده آمریکا برای کاهش تنش در روابط انجام داده است اما از مهرماه امسال بعد از حمله حماس به سرزمین‌های اشغالی، شرایط منطقه به شکل چشمگیری تغییر کرده است. بخشی از تعهداتی که به‌عنوان محتوای تفاهم نانوشته از آنها یاد می‌شد بعد از آغاز جنگ در غزه زیر پا گذاشته شده‌اند. نیروهای شبه‌نظامی در سوریه و عراق که منتسب به ایران هستند، حملات متعددی را علیه پایگاه‌هایی که نظامیان آمریکایی در آن مستقر هستند، انجام داده‌اند و در مقابل، آمریکا نیز تاکنون چندین بار به مواضعی که متعلق یا وابسته به ایران و گروه‌های تحت حمایت ایران توصیف شده‌اند، حمله کرده است. به نظر می‌رسد افزایش مجدد شتاب تولید اورانیوم غنی‌شده با غنای ۶۰ درصد توسط ایران نیز گامی از سوی ایران در واکنش به تحولات اخیر در منطقه باشد.

داشت. نیویورک تایمز ۲۵ خرداد سال جاری در گزارشی گمانه‌هایی را در مورد تعهدات ایران و آمریکا در تفاهم نانوشته منتشر کرده بود. براساس این گزارش، ایران تعهد داده بود که غنی‌سازی اورانیوم خود را از سقف ۶۰ درصد فراتر نبرد، از جمله به نیروهای آمریکایی در عراق و سوریه توسط گروه‌های منتسب به خود جلوگیری کند، همکاری‌هایش را با بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تقویت کند و از فروش موشک بالستیک به روسیه خودداری کند. نیویورک تایمز گزارش داده است، در مقابل، آمریکا متعهد می‌شود از وضع تحریم‌های جدید اجتناب کند، نفتکش‌های خارجی حامل نفت ایران را توقیف نکند، به دنبال تصویب قطعنامه‌های جدید در شورای امنیت سازمان ملل متحد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران نباشد.

۲۷ شهریور امسال، هم‌زمان با انتقال دارایی‌های مسدود شده ایران در کره جنوبی به قطر، ایران چهار زندانی ایرانی را که تابعیت مضاعف آمریکایی داشتند به ازای آزادی چند شهروند ایرانی دیگر در زندان‌های آمریکا آزاد کرد اما رویداد مهم‌تر چند روز پیش از آن اتفاق افتاد. دو هفته پیش از این تحول، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارش فصلی مدیرکل خبر داده بود، تولید اورانیوم

شهاب شهنساری

خبرنگار گروه دیپلماسی



سه‌شنبه هفته گذشته با انتشار بیانیه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در خصوص افزایش شتاب تولید اورانیوم غنی‌شده توسط ایران، نگرانی‌ها در مورد سرنوشت توافق‌هایی که از خردادماه سال جاری میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا به دست آمده بود، افزایش پیدا کرد. تهران و واشنگتن در ماه‌های گذشته در مورد محتوای توافقی که در قالب آن، دارایی‌های بلوکه شده ایران در کره جنوبی و عراق و همچنین تعدادی از زندانیان ایرانی دارای تابعیت مضاعف آمریکایی از زندان‌های ایران آزاد شدند، سکوت کرده بودند. این توافق در پی دست‌کم ۴ ماه مذاکره مستقیم و غیرمستقیم میان نمایندگان ایران و آمریکا در نیویورک، قطر و عمان به دست آمده بود. از ابتدا گمانه‌زنی‌هایی در مورد قرار گرفتن برخی از تعهدات هسته‌ای در این توافق که رسانه‌ها از آن با عنوان «تفاهم نانوشته غیررسمی» یاد می‌کردند، وجود



عکس: Gettyimages

نگاه تحلیلی

تهران و واشنگتن در وضعیت خویشتن‌داری

«ما همان غنای ۶۰ درصد را تولید می‌کردیم، نه کاری را تغییر دادیم و نه ظرفیت جدیدی ایجاد کردیم.» ایران تأکید کرده است، غنی‌سازی ۶۰ درصدی را از قبل انجام می‌داد و هنوز انجام می‌دهد، اما این را که شدت آن را بیشتر کرده باشد، تکذیب کرد. براساس قاعده، ما هم مجبور هستیم براساس همین موضع رسمی شرایط را تحلیل کنیم؛ مادامی که پذیرش نباشد، تحلیل‌ها در خلأ و فضای گمانه‌زنی خواهد بود.

نکته دیگر این است که براساس برداشت غربی‌ها، ایران از رخداد‌های بین‌المللی یا منطقه‌ای به‌عنوان یک فرصت برای پیشبرد برنامه هسته‌ای خودش استفاده می‌کند. در شرایط کنونی آمریکا و متحدانش به ایران اتهام می‌زنند که زیر سایه بحران غزه، بر شدت برنامه هسته‌ای خود افزوده است. طرف‌های غربی ایران را

جهانبخش ایزدی

استاد روابط بین‌الملل



طی روزهای گذشته با انتشار گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در خصوص سه برابر شدن میزان تولید اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصد ایران بعد از چند ماه کاهش سطح تولید اورانیوم با غنای بالا، تحلیل‌هایی در مورد سرنوشت تفاهمی که بهار امسال برای کاهش تنش میان ایران و آمریکا به دست آمده بود، منتشر شده است. البته تهران این گزارش‌ها را تأیید نکرد و رئیس سازمان انرژی اتمی گفت:

از دو جنبه متهم می‌کنند. از یک سو آنها مدعی هستند که بخشی از اقدام‌های ایران تقابلی است، از جمله اینکه با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری نمی‌کند، مقابل نصب دوربین‌ها و ابزارهای نظارتی مانع‌تراشی می‌کند، مخفی‌کاری انجام می‌دهد، پاسخگوی سوال‌های آژانس در خصوص تاسیسات ادعایی در مریوان و تور قوزآباد نیست و با بازرسان آژانس همکاری نمی‌کند. از سوی دیگر از دیدگاه آنها بخشی دیگر از اقدام‌های ایران ایجابی است، از جمله افزایش سطح غنی‌سازی به ۶۰ درصد، افزایش ذخایر اورانیوم غنی‌شده و به ادعای آنها تخطی مستمر و بیش از حد از مفاد برجام. به اعتقاد طرف‌های غربی، ایران از بحران‌های جاری در منطقه برای پیشبرد این اقدام‌های تقابلی و ایجابی برای پیشبرد برنامه هسته‌ای خود بهره‌برداری می‌کند. مسئله دیگری که وجود دارد به «تفاهم نانوشته غیررسمی» میان ایران و آمریکا برمی‌گردد. در روابط بین‌المللی و مناسبات واحدهای سیاسی، کشورها به قراردادهایی که رسماً منعقد می‌کنند و متن مکتوب آن را امضا می‌کنند و مفاد آن براساس عرف حقوقی و معاهدات بین‌المللی واضح، مسجل و مسلم است، بسیاری مواقع تقید چندانی ندارند؛ چه برسد به توافقی که نانوشته است و هیچ حد و مرز معینی

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

Forbes

جنگ اقتصادی ایران علیه غرب

تهدید ایران به بستن دریای مدیترانه به دریانوردی تجاری، اعلام جنگ تجاری به غرب است. سرمایه‌گذاران باید چنین اقدامی را بسیار جدی بگیرند، چراکه بخش بزرگی از تجارت جهان وابسته به حمل‌ونقل دریایی است. درست قبل از تعطیلات کریسمس، براساس گزارشی که خبرگزاری رویترز منتشر کرد، یکی از نمایندگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تهدید کرد، تنگه جبل الطارق را در منتهی‌الیه غربی مدیترانه مسدود کند. جبل الطارق در حال حاضر تحت حاکمیت دولت بریتانیا قرار دارد و نه تنها دولت بریتانیا مسئولیت امنیت این تنگه را برعهده دارد بلکه نیروی دریایی سلطنتی بریتانیا ایمنی کشتی‌های عبوری کشورهای متحد را برای عبور از این تنگه برعهده می‌گیرد.

اعلامیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در خصوص تهدید دریای مدیترانه اندکی بعد از آن اتفاق می‌افتد که شورشیان حوثی تحت حمایت ایران در یمن، کشتی‌های تجاری را که از دریای سرخ عبور می‌کردند، هدف قرار داد. دریای سرخ آبراه کلیدی برای عبور کالاها به کانال سوئز و منتهی‌الیه شرقی دریای مدیترانه است. حملات اخیر در دریای سرخ باعث شده است که برخی کمپانی‌های دریانوردی کشتی‌های باربری خود را از مسیر کانال سوئز دور کنند و به سمت دماغه امید نیک در منتهی‌الیه جنوب قاره آفریقا منتقل کنند. این مسیر جایگزین بسیار طولانی است. مرسک، بزرگ‌ترین کمپانی دریانوردی کانتینری جهان بعد از هدف قرار گرفته شدن کشتی‌هایش توسط حوثی‌ها تصمیم گرفت عبور و مرور کشتی‌هایش را از دریای سرخ متوقف کند.

حتی برای ناظران عادی هم روشن است که اگر حوثی‌ها می‌توانند عملاً باعث توقف عبور و مرور کشتی‌ها از دریای سرخ شوند، ایران هم می‌تواند جلوی عبور و مرور کشتی‌ها را از جبل الطارق بگیرد. چنین اقدامی به معنای جنگ اقتصادی است. براساس محاسبه دولت نیوزیلند تقریباً معادل هزار میلیارد دلار کانتینر سالانه از کانال سوئز عبور و مرور می‌کند که معادل ۱۲ درصد از کل تجارت جهانی است. در کنار این موضوع، باید تأمین انرژی جهان را هم در نظر گرفت. نزدیک به یک‌سیستم (۴/۵ درصد) از کل بشکه‌های نفتی که در جهان تولید می‌شود، روزانه از کانال سوئز عبور می‌کند. اگر عبور و مرور کشتی‌ها مختل شود، این رقم آنقدر بزرگ است که به راحتی می‌تواند باعث افزایش شدید قیمت نفت خام شود. در منتهی‌الیه دیگر مدیترانه هم نزدیک به ۲۰ درصد از کل تجارت دریایی جهان از طریق تنگه جبل الطارق جابه‌جا می‌شود.

زمانی که این درصدها را با هم جمع می‌زنیم، روشن می‌شود که هر کسی بخواهد در هر طرف مدیترانه تجارت دریایی را مختل کند، به صورت بالقوه می‌تواند به اقتصاد جهانی آسیب جدی وارد کند. در این مورد خاص طرفی که این تهدید را انجام داده است ایران و حوثی‌های تحت حمایت ایران هستند. تصور کنید که ناگهان ۲۰ درصد از کل تجارت جهانی بر اثر اقدام‌های فراسرزمینی این گروه‌ها متوقف شود. نتیجه چنین اقدامی از رکود مالی بزرگ که بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ رخ داد برای جهان آسیب‌زاتر است. اگر کمبود انرژی ناشی از توقف صادرات نفت خام را هم به آن اضافه کنیم، آنگاه نتیجه از هر رکودی در تاریخ برای غرب دردناک‌تر خواهد شد. اگر تجارت بخواهد بدون توجه به این مسائل ادامه پیدا کند، دریانوردی تجاری باید با استفاده از مسیر دماغه امید نیک در جنوب قاره آفریقا انجام شود که باعث افزایش قیمت‌ها و افزایش مجدد تورم خواهد شد. باید گفت که این یک اعلام جنگ اقتصادی از سوی ایران و گروه‌ها تحت حمایت ایران مانند حوثی‌ها است. گروه‌های دیگری که ممکن است وارد عملیات توقف تجارت جهانی شوند، گروه‌هایی مانند حماس و حزب الله خواهند بود.